

استاد سازمان سپا

در باره کودتای ۲۸ مرداد

با مقدمه دکتر همایون کاتوزیان



بامقدمه
دکتر همایون کاتوزیان

♦ دکتر غلامرضا وطن دوست

استاد دانشگاه شیراز

♦ با همکاری حسن زنگنه و رضا هدشتی



به نام خداوند جان و خرد

اسناد سازمان سیا

در باره کودتای ۲۸ مرداد
و براندازی دکتر مصدق

دکتر غلامرضا وطن دوست

استاد دانشگاه شیراز

مقدمه

دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان
عضو دانشکده شرق شناسی دانشگاه آکسفورد

با همکاری

حسن زنگنه و رضا دهدشتی



مؤسسه خدمات فرهنگی رسا

وطن دوست، غلامرضا، ۱۳۲۵ -

استاد سازمان سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد و براندازی دکتر مصدق
غلامرضا وطن دوست؛ مقدمه محمد علی همایون گانوزیان، با همکاری
حسن زنگنه، رضادادشش. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۹
هشت، ۲۷۲، 62، Nil، ع. تصویر

ISBN 964 - 317 - 453 - 0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

Vatandoost, Ghulamreza, Dr. ص.خ. به انگلیسی:

*The CIA Documents on the 1953 Coup & the
Overthrow of Dr. Musaddiq of Iran*

۱ - ایران - تاریخ - پولی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ - کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

۲ - مصدق، محمد، ۱۳۶۱ - ۱۳۴۵. استاد و مدرک الف. گانوزیان.

محمد علی، ۱۳۲۱ - مقدمه نویسی، ب. زنگنه، حسن، ج. دهادشش، رضا

۹۵۵ / ۰۸۲۴۰۴۵ DSR ۱۵۱۹ /

۱۳۷۹

۱۱۰۸۲ - ۷۹م

کتابخانه ملی ایران



مؤسسه خدمات فرهنگی رسا

صندوق پستی ۵۹۱۹ ۱۵۸۷۵ تلفن: ۴۵ ۸۸۳۴۸۴۴ فاکس: ۸۸۳۸۱۲۵

از این کتاب تعداد ۴۴۰۰ نسخه در چاپخانه غزالی چاپ گردید.

چاپ اول / ۱۳۷۹

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است.

شابک: ۹۶۴-۳۱۷-۴۵۳-۰ ISBN: 964-317-453-0

قیمت ۲۲۰۰ تومان

پیش‌بیت ایران

حدیث‌سین و بدمانوشته خواهد شد
زمانه راسندی، دقتری و دیوانی است

www.chebayadkard.com

فهرست مطالب

مقدمه ناشر.....	۴
پیشگفتار.....	۱
مقدمه: دکتر مصدق، اسناد سازمان سیا و بحران جنگ سرد در ایران، به قلم دکتر غلامرضا وطن دوست	۷
اسناد سازمان سیا و کودتای ۱۳۳۲ در ایران، به قلم دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان	۲۱
اسناد سازمان سیا: سرنگونی مصدق، نخست وزیر ایران	۶۵
یادداشت مورخ	۶۷
چکیده اسناد	۶۹
گزارش عملیات	۷۹
۱- اقدامات مقدماتی	۸۱
۲- تهیه پیش نویس طرح	۸۴
۳- قوام بخشیدن به طرح عملیاتی	۹۰
۴- اتخاذ تصمیمات: آغاز عملیات	۹۳
۵- فشار روز افزون بر شاه	۹۹
۶- نخستین تلاش و تهاجم	۱۱۳
۷- شکست ظاهری	۱۱۷
۸- شاه پیروز است	۱۳۶
۹- گزارش به لندن	۱۴۷

۱۰- درسهای آموخته شده از عملیات ۱۵۲

پیوستها

الف: برنامه عملیاتی مقدماتی برای تی. پی. آژاکس که در تاریخ یک ژوئن ۱۹۵۳ (۱۱ خرداد ۱۳۳۲) از نیپکوزبا به مرکز

فرماندهی تنگراف شده است. ۱۶۲

ب: طرح مقدماتی لندن برای برنامه عملیاتی تی. پی. آژاکس. ۱۷۳

ج: یادداشت وزارت امور خارجه بریتانیا مورخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۳ (۱ مرداد ۱۳۳۲) از مکینز، سفیر بریتانیا به اسمیت، معاون وزارت

امور خارجه ایالات متحده. ۱۹۹

د: گزارش جنبه‌های نظامی عملیات تی. پی. آژاکس ۲۰۳

ه: نقد نظامی: درسهای آموخته شده از تی. پی. آژاکس درباره ابعاد نظامی

برنامه‌ریزی برای کودتا. ۲۲۱

کتابشناسی دکتر مصدق ۲۴۱

نمایه ۲۶۷

تصاویری از کودتای ۲۸ مرداد ۲۷۵

Preface 1

Introduction: Dr. Mussadiq, The CIA Documents and the Cold War crisis in Iran by Dr. Gholamreza Vatandoust 7

The CIA Documents and the 1953 Coup in Iran by Dr. Homa Katouzian. 41

Samples of CIA Documents نمونه اسناد منتشر شده 63

«... برای هر ملتی هیچ عاملی جهت بیداری و هوشیاری او بهتر از خاطرات گذشته و چگونگی رفتاری که در طی يك قرن با او شده نمی باشد...»

از مناجیه دکتر مهدی
با منبر روزنامه انقلاب
۱۳۳۱/۱/۱۴

یکصد سال قبل

در مارس ۱۹۰۱ (= اسفند ۱۲۷۹) هیئتی به سرپرستی ماریوت از سوی ویلیام دارسی سرمایه دار تبعه انگلیس (که به تشویق وزارت خارجه انگلیس و دروموند ولف وزیر مختار پیشین آن کشور در ایران به سرمایه گذاری در امر نفت ایران تحریک شده بود) برای عقد قرارداد امتیاز نفت به تهران فرستاده شد.

مخالفت اولیه مظفرالدین شاه، در برابر مداخلات و فشارهای سر آرتور هاردینگ (وزیر مختار انگلیس در تهران) و رسوای هیئت انگلیسی مذکور در فوق به افرادی از جمله به میرزا علی اصغر خان انابک (صدر اعظم)، میرزا نصرالله خان مشیرالدوله پیرنیا (وزیر امور خارجه)، نظام الدین غفاری مهندس الممالک (وزیر معادن، پسر عم فرخ خان غفاری امضاءکننده قرارداد تنگین صلح پاریس)، کارساز واقع نشد و در نهایت قرارداد واگذاری امتیاز نفت به دارسی در ۱۸ ماده در ۸ خرداد ۱۲۸۰ به صحنه شاه رسانده شد و ایران را وارد دوره ای بحرانی و خطرناک از تاریخ خود ساخت.

امتیاز مزبور در مساحتی به وسعت ۱/۲۰۰/۰۰۰ کیلومتر از خاک ایران مورد اعتراض روسیه تزاری که رخدادهای کوچک و فائد اهمیت را وسیله و ابزار مداخله در امور ایران قرار می داد، نیز واقع نگردید!

از آغاز مقدمات عقد قرارداد مزبور، دخالت و فشار دولت انگلیس از طریق وزیرمختار آن کشور در تهران و تهدید و وعده (از طریق دادن رشوه و تعارف و...) و بعدها نیز، تخریب مبانی استقلال ایران و اخلاق عمومی و دعوت شهروندان کشور به خیانت به مصالح ملی، از ابزار کار غارتگران نفت در ایران بوده است.

پس از واگذاری امتیاز نفت به داری، بلافاصله اولین چاه نفت در منطقه «چاه سرخ» واقع در شمال قصر شیرین حفر شد. بریتانیا، قبل از جنگ «بین الملل» اول، در تجدید نظر در مرز میان ایران و عثمانی، آن قسمت از خاک ایران را به عثمانی واگذار کرد که پس از جنگ جزو کشور جدیدالتاسیس موسوم به عراق و تحت قیمومت انگلستان قرار گرفت!

از ۱۹۰۴، دولت بریتانیا از سایه به در آمد و نقاضای تحصیل امتیاز داری را برای دولت مذکور نمود. در سال ۱۹۰۵ جهت رسیدن به هدف، «سندیکای امتیازات» در شهر گلاسکو تشکیل و امتیازنامه را تصاحب کرد^(۱).

در همین ایام، عملیات اکتشاف و حفر چاه نفت و استخراج آن در مناطق جنوب ایران به مورد اجرا گذاشته شده بود.

با عقد قرارداد امتیاز نفت داری، تشنج و بحران و درگیری‌های فرقه‌ای و کلامی و سیاسی و طرح مباحث انحرافی و غیرضروری در جهت نابودی حاکمیت ملی و استقلال کشور از طریق تجزیه شهروندان ایرانی به گروه‌های متخاصم، از گستره‌ای بی سابقه در تاریخ کشور برخوردار گردید.

قدرت حکومت مرکزی هر روز بیش از پیش کاهش یافت. عناصر و جریانهای در تقابل با حکومت مرکزی و بی توجه به مصالح ملی و آلت فعل بیگانه، هر روز افزونتر از گذشته مورد پشتیبانی و تقویت سیاست خارجی

۱. در باره امتیاز به داری از جمله مراجعه شود به: مصطفی فلاح، پنجاه سال نفت، انتشارات کاوش، فصل ششم (۲۹۸ - ۲۴۵).

قرار گرفتند. حاکمیت ایران بر جزایر ایرانی خلیج فارس با افزایش شدن پرچم‌های غیرایرانی در جزایر مزبور و پشتیبانی بریتانیا از عناصر و طوایف دست‌نشانده، مورد تجاوز واقع شد. راهبرد ایجاد «سرزمین‌های سوخته» در جنوب و کرانه‌های شمالی خلیج فارس و بنادر ایران و در مناطق شرقی کشور، از شتابی بی‌سابقه در تاریخ ایران برخوردار گردید؛ امنیت سرمایه و تولید بیش از پیش دچار مخاطره شد؛ تولید کاهش یافت؛ فقر و بیکاری فزونی گرفت؛ مهاجرت استعدادها و نیروی کار و سرمایه شتاب پیدا کرد و... و رویارویی‌ها و جبهه‌بندی حول موضوعات ناروشن و واهی فزونی گرفت و شعله‌های جنگ خانگی زبانه کشید.

غبار غلیظ برخاسته از تقابل و تضاد نیروهای داخلی با طراحی بیگانگان و با استفاده از جهالت ما، آن‌چنان چشم ما را تیره و تاریک کرده بود که امضای قرارداد تقسیم ایران به سه منطقه نفوذ انگلیس و روسیه تزاری و منطقه حایل و بی‌طرف که در واقع، به اعتراف سردار گری وزیر خارجه وقت بریتانیا، اعلام حاکمیت انگلیس بر ایران بود، با وساطت و دلالتی دولت فرانسه، در الجزیراس در تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۰۷ (۲۱ رجب ۱۳۲۵)، نه تنها مواجه با مقاومت و فریاد و اعتراض و گریه و ندبه نگردید که حتی عشر توجه به یک مسأله انحرافی و کوچک و غیر ضروری مشغول‌کننده افکار را در آن ایام نیز به خود جلب نکرد!

در ضمایم آن قرارداد، افزون بر افغانستان و تبت، خلیج فارس نیز منطقه نفوذ بلامنازع و ملک طلق بریتانیا شناخته شده بود!

در شرایطی این چنین، باید تشنج و تلاشی و واگرایی و تجزیه نیروها در کشور و منطقه و مشغول ساختن شهروندان ایرانی به مسایل واهی آن‌چنان شدت می‌یافت که امکان کوچکترین اعتراض نیز ممکن نمی‌گردید.

در چارچوب اجرای همین راهبرد در ایران، در همان روزی که قرارداد

۱۹۰۷^(۲) در الجزیراس به امضای بریتانیا و روسیه تزاری رسید، در تهران نیز رئیس‌الوزراء میرزا علی‌اصغرخان اتابک در جلو در مجلس شورای ملی هدف گلوله‌های تروریستهای گروه اجتماع‌یون-عامیون به رهبری ورام ییلوسیان عامل بریتانیا قرار گرفت و به قتل رسید.

با قتل اتابک، دیگر دولتی وجود نداشت تا اعتراض لفظی و مکتوب به عمل آورد و در بنیان قرارداد حد اقل شکافی بوجود آورد. پس از گذشت ۱۷ روز از قتل اتابک، هیئت دولت جدید به مجلس شورای ملی معرفی شد. نخست، میرزا حسن‌خان مشیرالدوله، به عنوان وزیر خارجه معرفی شده بود که در مأموریت اروپا به سر می‌برد. بعد از چند روز، میرزا جوادخان سعدالدوله سمت وزارت خارجه یافت که مورد اعتراض گروهی از مجلس‌نشینان و جمعی از کاربدستان وزارت خارجه قرار گرفت و وزیر توسط گروه مذکور از ورود به وزارت خارجه ممنوع گردید! وزیر خارجه بعدی (علاءالسلطنه) نیز دچار چنین سرنوشتی شد! به این ترتیب وزارت خارجه ایران تا تشکیل دولت بعدی یعنی در طول نزدیک به دو ماه از امضاء قرارداد ۱۹۰۷ و تقسیم ایران حتی فاقد سرپرست اسمی بود تا نتواند قدمی هرچند کوچک علیه قرارداد بردارد!^(۳)

در چنین هنگامه‌ای، گروه‌هایی از مردم کشور سرگرم نزاع بر سر الفاظ از جمله: لفظ «مشروطه» و «مشروع» «استبداد» و «آزادی» و «عدالت» و... بودند، در حالی که استقلال و حاکمیت ملی و کرامت انسانی و حقوق ایرانی و عزت مسلمانی آنان مورد تجاوز قرار گرفته بود تا آنجا که شهروندان ایرانی توسط نمایندگان بریتانی به اتهام «اغتشاش در عمل نفت» مورد مجازات و

۲. در باره قرارداد ۱۹۰۷ از جمله مراجعه شود به: محمد ترکمان، اسنادی در باره هجوم انگلیس و روس به ایران (۱۲۹۱ - ۱۲۸۷ ه.ش)، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، صص بیست و سه تا هفتاد و هفت.

۳. در این باره مراجعه شود به: خاطرات احتشام‌السلطنه، به کوشش سید مهدی موسوی، انتشارات زوآر، صص ۶۶۳ - ۶۶۰.

شکست‌ناجه قرار می‌گرفتند و صدایی نه از «مشروطه‌خواه» و نه از «مشروع‌خواه» بر نمی‌خاست!

مارلینگ وزیر مختار بریتانیا در تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۰۷ (۳۰ رمضان ۱۳۲۵ ق) طی نامه‌ای خطاب به وزیر خارجه انگلیس (سر ادوارد گری) در ربط با کارخانه کمپانی نفت در اهواز چنین گزارش می‌کند:

ویس‌فول دولت فحیمه [سر آرنولد ویلسون] به همراهی نماینده‌ای از طرف خوانین بختیاری وارد اهواز شدند و مشخصاً را که منشأ فساد و اغتشاشات جدید در کارخانه کمپانی نفت بودند در حضور ویس‌فول مزبور تنبیه خوبی نمودند^(۲).

یک ماه و اندی بعد، سیاست مزبور به نام حفاظت چاه‌های نفت، قوای نظامی وارد ایران کرد و ما آن‌چنان غرق در مسایل دیگران ساخته و خود ساخته بودیم که باز هم از خواب غفلت برخاستیم!

مارلینگ در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۰۷ (۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ ق) در این باره خطاب به سر ادوارد گری از جمله به شرح ذیل گزارش می‌دهد:

لیوتنانت ویلسون با بیست نفر نابین [سرریز] که مأمور محافظت امور استخراج نفت بفتونند و مامورین شده بودند در ماه دسامبر وارد اهواز گردیدند و دومین صاحب‌منصب موسوم به لیوتنانت ونگینگ اکنون نیز بدان طرف رهپار است...^(۵)

سر آرنولد ویلسون در کتاب خود موسوم به «جنوب غربی ایران» در همین رابطه می‌نویسد: «وزارت خارجه انگلیس و دولت هندوستان را باید تقدیر کرد که عده‌ای سرریز هندی به این نقطه اعزام داشتند تا به ایلات محلی بفهمانند که اگر مانع کار یک شرکت انگلیسی شوند (...) چه عواقبی برای آنها

۲. کتاب آبی (به کوشش احمد بشیری)، شرنوب، ج اول، ص ۱۱۳

۵. همانجا، ص ۱۳۹.

خواهد داشت (۶)!

در اوج شهر آشوبی و مناقشات داخلی در ربیع الثانی ۱۳۲۶ (۲۶ ماه مه ۱۹۰۸) منه حفر چاه در مسجد سلیمان سنگها را شکافت و نفت از چاه فوران کرد. در پی این موفقیت بزرگ در آوریل ۱۹۰۹ شرکت نفت ایران و انگلیس با سرمایه دو میلیون لیره تشکیل و در لندن به ثبت رسید. ویلیام ناکس داریسی به عضویت هیئت مدیره شرکت انتخاب و تا سال ۱۹۱۷ که فوت کرد دارای این سمت بود.

در سال ۱۹۰۹ شرکت نفت ایران و انگلیس قراردادهایی را با خوانین بختیاری و همچنین شیخ خزعل برای تأمین امنیت مناطق نفتی و سهولت دستیابی و انتقال نفت ایران به امضاء رساند و گروههایی از نیروهای نظامی انگلیسی از مرزهای جنوبی ایران گذشته و در خاک ایران مستقر شدند.

در همان ایام قوای تحت امر خوانین بختیاری با چراغ سبز سفارت انگلیس و با پشتیبانی شیخ خزعل و... تهران را به تصرف درآورد (۲۶ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ق).

استخراج نفت مناطق جنوبی ایران و فعالیت پالایشگاه آبادان و تأمین سوخت ارزان و آسان ناوگان دریایی بریتانیا بر فریبی و توانمندی انگلستان افزود و نفت ایران در جنگ «جهانی» اول نقش بسیار مؤثری را در پیروزی بریتانیا و متفقین ایفا نمود، در حالی که ایران هر روز بیش از گذشته دچار تجزیه و تضعیف و زیان می‌گردید.

کلید معمای نقض بی‌طرفی ایران در جنگ میان کشورهای اروپایی موسوم به «جنگ جهانی اول» و اشغال ایران توسط نیروهای تجاوزگر انگلیسی و متفقین روسی آن و تشکیل پلیس جنوب و نیروهای نظامی بریتانیا در شرق و شمال ایران و تحمیل قرارداد ۱۹۱۹ و کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ (۷)

۶. مصطفی فاتح، ... صص ۲۵۸ - ۲۵۷.

۷. دکتر مصدق در این باره در «مخاطرات» خود می‌نویسد: چون آن قرارداد [= ۱۹۱۹] هم با

و تغییر سلطنت از قاجاریه به پهنوی و تحمیل استبداد سیاه ۲۰ ساله و ایجاد حکومت خودکامه فردی وابسته و حاکمیت فئونی‌ها بر مقدرات ملت و امور کشور و نابودی رجال کشور و قتل مازور ایمری آمریکایی و تشکیل مجلس شورای ملی فرمایشی و نمایش لغو قرارداد دارسی در ۱۳۱۱ و انعقاد قرارداد زیان‌بارتر ۱۹۳۳ در سال ۱۳۱۲^(۸) و اشغال ایران در سوم اسفند ۱۳۲۰ توسط متجاوزین انگلیسی و متفق آن روسیه شوروی و کشیدن پای ایران در شعله‌های آتش و ویرانی‌های جنگ «جهانی» دوم و تبعید دیکتاتور به جزیره موریس و زوهانسبورگ^(۹) و آغاز دوره‌ای دیگر از هرج و مرج و... را در قصه پر غصه ضرورت تداوم غارت نفت ایران و منطقه باید جستجو کرد.

حوادث و رویدادهای پس از تبعید دیکتاتور - در صورت عدم موافقت سیاست بریتانیا، حتی توان ماندن دقیقه‌ای را در کشور نداشت - اعم از رشد فزاینده جریانهای تجزیه طلبانه در آذربایجان و کردستان و جنوب ایران و پیدایش حزب نفتی توده و پاره‌ای جریانهای مشکوک در لوای ملیت و دین

مقاومت شدید آزادی خواهان و وطن پرستان موانع گردید. دیپلماسی انگلیسی برای اینکه سیاست خود را به صورت دیگری عملی سازد رژیم دیکتاتوری را که بیست سال از آن حسابت نمود بر سر کار آورد و منظور اقتصادی سیاست انگلیسی از تبعید این و سایر این بود که با انحصار نفت کشور ما را تصاحب نماید و به این ترتیب آنچه می‌بایست موجب ثروت ملی ما شود متشابه بیعت گوناگون و مصائب طاقت فرسای ما گردید و این سببه به وسیله کمپانی صاحب امتیاز عملی می‌گردید، یعنی علاوه بر اینکه نفت ما را به سوی انگلستان می‌گشتانید به ضرر ایران فوائد کثیر مالی عاید انگلستان می‌ساخت، (مخاطرات و تألمات، به کوشش ایرج افشار، انتشارات علمی، زمستان ۲۲۳ - ۲۲۲)

۸. به گفته دکتر مصدق، قرارداد با دارسی در ایامی منعقد شد که نه میزبان زحمت موجود در ایران و نه اهمیت و ارزش آن برای امضاء کنندگان مشخص و روشن نبود. در صورتی که در ایام عقد قرارداد ۱۳۱۲، هم منابع عظیم نفت در ایران شناسایی نشده بود و هم اهمیت راهبردی آن آشکار شده بود.

۹. به گفته دکتر مصدق در دادگاه تجدیدنظر نظامی، او را با دو مذاکره در BBC لندن از ایران بردند. او شاه ایران نبود، اگر شاه ایران بود می‌گفت: «میان ملت من و منم و منم و منم». دکتر مصدق در دادگاه تجدیدنظر نظامی، به کوشش جلیل بزرگمهر، شرکت سهامی انتشار، ص ۵۷۶.

و... و تجدید فعالیت سید ضیاءالدین طباطبایی از وابستگان قدیمی آن سیاست تحت پوشش «حزب اراده ملی»، و انجام قتل‌ها و ترورها و پیدایش گروه‌ها و جرایم آشوب طلب و هتاک و افراطی و تشکیل مجلس مؤسسان و... نیز به اعتقاد راقم این سطور در چارچوب «مسئله نفت» و غارت آن و غفلت مردم ایران از این مسئله اصلی قابل تبیین و تفسیر است.

پنجاه سال بعد

تجاوزات و فشارها و بی حرمتی و تحقیر و غارت و تضعیف وحدت ملی و نگذاردن ساختن فرهنگ و هویت و استقلال ایران و آزادی مردم آن در طول سالیان دراز، خصوصاً در طول ۵۰ سال پس از امضاء امتیاز داری، در چهره شرکت نفت جنوب که بزرگ‌نماد سلطه طلبی، غارت، استثمار و نقض حقوق ملت ایران و تلاشی کشور و سرمایه انسانی و مادی آن توسط سیاست بریتانیا بود، متبلور گردیده بود.

در فرصتی تاریخی و در فضایی مستعد، پی‌گیری‌های ملتی استقلال طلب و خواهان دخالت در سرنوشت خود و اداره امور کشور، برای احقاق حقوق تضییع شده و قطع مداخلات نامشروع بیگانگان در امور خود و برخورداری از حیاتی انسانی، درخور ملتی کهنسال و دارای تمدنی کهن به بار نشست و با تصویب ملی شدن صنعت نفت در مجلسین شورای ملی و سنا به ترتیب در تاریخ ۲۴ و ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، یعنی پنجاه سال پس از قرارداد داری، تاریخ معاصر ایران ورق خورد.

اما این پایان راه نبود، بلکه آغاز راه‌هایی و شکوه و عظمت ملتی بود که می‌خواست بندهای گران و ویرانگر سلطه و وابستگی و استبداد را درهم بشکنند و طرحی نو دراندازد. طی طریق در چنین راهی نیز آسان نبود که حرامیان، فراوان در راه کمین کرده بودند و این همان واقعیتی بود که با گذشت ایام هر روز بیش از پیش عیان‌تر شد.

مردی نام آشنا، از پدر و مادری شناخته شده و از تباری معروف با پیشینه‌ای روشن و با کوله‌باری از آگاهی و صداقت و عمری خدمت به ایران و مدافع اسلامیت و ایرانیّت و فرهنگ و هویت و سنت‌های نیکو و حاضر در صحنه‌های مبارزه علیه قرارداد ۱۹۱۹ و کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹، پرچم رهبری جهاد در این طریق را بر دوش گرفت.

مردی که در اولین روز ورود خود به وزارت خارجه در سمت وزیر امور خارجه ایران در سال ۱۳۰۲، نامه سرپرسی لورن وزیرمختار انگلیس را که در آن جزایر ایرانی «ابوموسی» و «شبخ شعیب» را غیرایرانی خوانده بود و رئیس‌الوزراء دستور ضبط آن را داده بود، به جریان انداخت و مسئله را در هیئت دولت مطرح و با جواب کتبی و مذاکرات شفاهی ادعای واهی وزیرمختار را رد و از حقوق مسلم ایران در جزایر مذکور دفاع نمود^(۱۰).

او در همه حال مدافع حقوق، آزادی و مصالح ملت و کشور بود و در مجالس پنجم و ششم در برابر اجانب و دیکتاتور وابسته به اجنبی آن چنان ایستاد و درخشید که خط و مشی و مکتب او در قلوب ایران‌دوستان و استقلال‌طلبان و آزادی‌خواهان برای همیشه نقش و ثبت گردید و در انتخابات نسبتاً آزاد تهران در دوره‌های چهاردهم و شانزدهم نماینده اول مردم تهران شد.

او از سیاست جهانی و بخصوص سیاست ۲۰۰ ساله استعماری انگلیس در ایران و منطقه شناختی کامل داشت و با آرایش نیروها در داخل ایران و منطقه آشنا بود. او خلف صالح امیرکبیر و قائم‌مقام فراهانی و استاد استفاده از «فرصتها» و «حداقل‌ها» به سود ملت ایران و مردم منطقه بود.

با آغاز نخست‌وزیری او، دوره‌ای بی‌بدیل در تاریخ ایران پدید آمد که با گذشت ایام، عظمت آن هر روز افزون‌تر از پیش آشکار می‌گردد و دوستان آگاه و دشمنان منصف را به اعتراف و ستایش وامی‌دارد.

بزرگی دکتر مصدق و کینه بی حد و مرز غارتگران جهانی و وابستگان داخلی آنان نسبت به او و نهضت ملی ایران که پس از ۲۸ ماه افتخارآفرین و طوفانی، در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به کودتای انگلیسی-آمریکایی-ارتجاعی و حوادث پس از آن منجر شد، در ربط با پافشاری دکتر مصدق بر مسئله راهبردی نفت - این مسئله اصلی دیروز، امروز و فردای ایران و منطقه و جهان صنعتی - بوده و هست.

گناه بزرگ دکتر مصدق به گفته خود او در بی دادگاه نظامی نظام کودتایی وابسته، ملی کردن نفت و قطعید اجانب از ثروت و مقدرات ملت ایران بود. گناه دیگر او متحد ساختن ایرانیان در جبهه‌ای به گستردگی کشور و ممانعت از تجزیه و تقابل آنان تحت عناوین واهی و وارد ساختن ایشان در معرکه‌های انحرافی و زیان‌آور و عدم طرح مسایل غیر اصولی بود!

گناه دیگر دکتر مصدق این بود که نه در شعار، بلکه در عمل ثابت کرد ملت و دولت ایران می‌تواند بدون تکیه و نیاز به وجوه حاصل از فروش نفت، در شرایط سلطه، به حیات مستقل و آزاد خود ادامه دهد. او به حق بر این باور بود و زمانه نیز بر آن مهر تأیید گذاشت که چنین رجوهی هیچ‌گاه در مجاری صحیح و تولید و توسعه پایدار صرف نشده و نخواهد شد.

دیگر گناه مصدق، استفاده از فضای سیاسی جهان به نفع ملت ستمدیده ایران بود. در حالی که در سیاست جهانی، مشی حاکم، حل مناقشات و تضاد قدرتهای بزرگ به زیان و از جیب کشورهای تحت سلطه بوده و هست. گناه مصدق از این منظر نابخشودنی بود و باید از ادامه موفقیت‌آمیز آن سیاست جلوگیری می‌شد.

سر آنتونی ایدن وزیر خارجه انگلستان در خاطرات خود در این باره با تلخ‌کامی از رنج و عذابی که بریتانیا و آمریکا کشیده‌اند یاد می‌کند و سپس می‌افزاید:

به گفتگوکنندگان آمریکایی گفتم که در سراسر این ماجرا، مصدق آمریکا را

علیه انگلستان به بازی گرفته است. این بازی باید موثرتر شود^(۱۱).

دکتر مصدق و نهضت ملی ایران به جرم انجام گناهان فوق و پایان بخشیدن به «امپراطوری انگلیس» به بیان «جان دان»^(۱۲)، باید مجازات می شد و تاوان تکاپوهای اصولی خود را می پرداخت، آن چنان که دیگر افراد و ملت‌ها جرئت گام گذاشتن در این طریق را نمی یافتند و چه هزینه‌های سنگینی که در این راه پرداخت نشد. در ربط با دکتر مصدق شاید آن تصویر فحشسته او در زندان تبعیدگاه احمدآباد که عبايي بر دوش دارد و به عصا تکیه داده است تا حدودی گویای ستمی که بر مَفخَر شرق و رهبر استقلال و آزادی ایران رفته است، باشد.

برای نابودی چنین نهضتی و رهبر آن، آنگاه که برنامه ترور و قتل دکتر مصدق فقط چند روز پس از نخست‌وزیری او به انجام نرسید و دسائیس سیاست ناهنجاری و دربار و جرایم وابسته و نمایندگان فرمایشی مجلس شانزدهم، و تبلیغات و کارشکنی‌ها و دسیسه‌ها و شهرآشوبی‌ها و حادثه آفرینی‌ها و موج‌سازی‌های گروه‌های چپ و راست و حتی عناصر و جریان‌هایی در پوشش دین و آبستراکسیون اقلیت، و قتل و کشتار و دخالت قشون در انتخابات مجلس هفدهم و ترور دکتر فاطمی معاون نخست‌وزیر و تحریم اقتصادی ایران و ممانعت از فروش نفت ایران در بازارهای جهانی توفیق نیافت و بریتانیا در شورای امنیت و دیوان بین‌المللی لاهه نتوانست ایران را محکوم سازد، و عَلم ساختن خطر کمونیسم و بی‌دینی^۱ و «انتخاب میان هرج و مرج و حکومت دکتر مصدق» و حوادث تیر ۱۳۳۱ و کودتای انگلیسی شهریور ۱۳۳۱ و توطئه قتل دکتر مصدق در ۹ اسفند ۱۳۳۱ و دسائیس رکن ۲ ارتش و اداره اطلاعات شهربانی، و ربودن و شکنجه و قتل رئیس شهربانی جانبدار نهضت ملی کارساز واقع نشد و نهضت ملی به

۱۱. خاطرات ابدن، ترجمه کاوه دهگان، ص ۲۸۹.

۱۲. بی بی سی، جمعه شب ۱۴ فروردین ۱۳۶۶.

رهبری دکتر مصدق، همچنان استوار به راه خود ادامه می داد، چرچیل دستور آغاز «عملیات چکمه» را صادر کرد^(۱۳).

در گام نخست کودتای نظامی و شبانه وابستگان به قدرتهای خارجی با هوشیاری و پایداری دکتر مصدق در شب ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ به شکست انجامید و دهها نفر از امرای نظامی و عوامل دخیل در کودتا دستگیر شدند و شاه به عراق فرار کرد. در گامی دیگر، سیاست خارجی با پخش پول فراوان و بسیج عوامل خود و پایگاه فرار دادن مکانهای وابسته به خود و با حضور و دخالت مستقیم اتباع خود به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دست یازید. به اعتراف سر آتونی ایدن وزیر خارجه بریتانیا که در آن ایام دوران تقاضت پس از عمل جراحی را در دریای مدیترانه می گذراند، نامبرده با شنیدن خبر موفقیت کودتا آن شب را پس از مدتها به راحتی به خواب فرورفت و بعدها «حل مسئله نفت ایران» را بزرگترین پیروزی انگلستان در آن سالها خواند^(۱۴). ملت ایران و دکتر مصدق می خواست قرارداد استعماری ۱۹۰۷ و قرارداد ظالمانه و تحمیلی ۱۹۳۳ را با تلاش و نهضت عادلانه خود ملغی سازد، اما با مجموعه ای از دسایس ضد اخلاقی و ضد انسانی و در نهایت با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در بند مجموعه ای از غارتگران اروپایی و امریکایی در قالب «کنسر سیوم» به رهبری بریتانیا بار دیگر گرفتار آمد.

به نوشته آقای جلیل بزرگمهر هنگامی که دکتر مصدق در زندان نظامی عنوان روزنامه های عصر ۱۹ فروردین ۱۳۳۳ را در باره سهمیه شرکتهای امریکایی در غارت نفت خواند، گفت: ما می خواستیم قرارداد ۱۹۰۷ دور شود، حالا امریکایی هم آمدند^(۱۵).

با ساقط ساختن حکومت ملی و قانونی ایران و به خاک و خون کشیدن

۱۳. مصدق، نفت، تاسیونالیزم ایرانی، جیمز بیل - ویلیام راجر لوئیس - ترجمه عبدالرضاهوشنگ مهدوی و کاوه بیات، نشر نو، ص ۴۵۸.

۱۴. خاطرات ایدن، فصل ایران.

۱۵. دکتر محمد مصدق در دادگاه تحدید نظر نظامی، ... ص ۱۰.

مبارزات حق طلبانه مردم کشور بار دیگر غارت نفت ایران در شکلی نو استمرار یافت.

خانم چابلوسکی آمریکایی سردبیر مجله تجارت در این باره نوشت:

هنگامی که در اوایل ماه نوامبر گذشته دست‌های از غنک‌شهی آمریکایی و انگلیسی و هلندی و فرانسوی با مخزن‌های مملو از نفت جزیره نخل‌آذین آرادان واقع در خلیج فارس را ترک کردند، دنیای غرب نفسی به راحتی کشید (۱۶).

جای این پرسش هست که این «نفس راحت غرب» و استمرار غارت ملت ستمدیده ایران و سرنگونی حکومت ملی و قانونی آن، چه هزینه‌هایی را برای ملت ایران در بر داشته است؟

خانم مادلین آلبرایت وزیر خارجه آمریکا اخیراً صریحاً اعتراف کرد:

«کودتا به رضوح مانعی در راه توسعه سیاسی ایران بود...» (۱۷)

شمارش دیگر زیانهای حاصل از کودتا در این مجمل نمی‌گنجد.

یکصد سال بعد

یکصد سال پس از قرارداد داری و نزدیک به پنجاه سال پس از ملی شدن صنعت نفت و تشکیل دولت دکتر مصدق، کارنامه نفت و آن دوره پر از فراز و نشیب و آن جهاد ملی سترگ امروز در برابر ما است.

اکنون نقش و مواضع و دسایس سیاستهای بریتانیا، آمریکا، روسیه شوروی، فرانسه و برخی دیگر از کشورهای اروپایی و... تا حدود زیادی در

۱۶. مجله خواندنی‌ها، س ۱۵، ش ۳۹، بهمن ۱۳۳۳.

۱۷. روزنامه «هم‌میهن»، ۳۰ فروردین ۱۳۷۹.

برابر آن نهضت بزرگ و کودتا و همچنین نقش له و علیه دربار و قشون و احزاب و گروهها و رجال و شخصیتها و طبقات و اقشار مختلف از جمله ایلات و خوانین و مالکان ارضی و دلالان و طبقه متوسط و بازاریان و کارگران و عالمان دینی و نویسندگان و دانشجویان و روزنامه نگاران و اقشار در حاشیه جامعه و لایه های مختلف طبقات و اقشار مذکور نیز تا حدود قابل توجهی آشکار شده است.

گرامی باد نام و یاد آنان که در طریق استقلال و آزادی و بهروزی ایران و ایرانی و مردم منطقه و جامعه انسانی گام برداشتند و شرمگین و سرافکننده باد نام و خاطره آنان که ابزار دست غارتگران جهانی و توطئه کنندگان علیه زندگی توأم با سريلندی و عزت و صلح و پیشرفت و توسعه پایدار و متوازن ملت ایران شدند. امید آن که بازماندگان اینان با کمر بستن به خدمت به میهن و مردم آن تا حدودی جبران سیئات اعمال آن جماعت را بنمایند.

امروز در پرتو اسناد منتشره درباره کودتای انگلیسی-آمریکایی و ارتجاعی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، از جمله اسناد اخیراً منتشر شده توسط روزنامه نیویورک تایمز، یک بار دیگر رسوایی طراحان خارجی کودتا و نظام برآمده از کودتا و در رأس آن محمدرضا پهلوی و عوامل آنان که در طول سالیان دراز بسیار کوشیدند تا کودتای نظامی مزبور را که اراذل و اوباش در آن نقش قابل توجهی ایفا نمودند، تحت عنوان «قیام ملی»، بشناسانند، تکرار می شود. اسناد مزبور همچنین تبلیغات جریانهای وابسته ای را که سالها کوشیدند تا وانمود سازند که بدون هیچ سابقه و توطئه ای، دولت دکتر مصدق که گویا «همه قدرت و نهادها و امکانات و... را نیز در اختیار داشته است»! در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توسط یک یا چند تانک از مقام نخست وزیر به دلیل «عدم برخورداری از پشتیبانی مردم»! ساقط شده است، نیز رسوا می سازد.

اسناد منتشره نشانگر دو جبهه مرکب از نیروهای ذیل می باشد:

۱- نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق مرکب از همه مردم استقلال طلب و ایران دوست و آزادی خواه ایران با سرمایه ای از صداقت و

پاکی و رنج و عشق و آرزوی سربلندی کشور.

۲- قدرتهای استعماری انگلیس، دولت آمریکا به رهبری آیزنهاور از حزب جمهوری خواه با سازمانهای جاسوسی و سفارتخانه های خود در لندن و واشنگتن و پاریس و تهران و بغداد و بیروت و نیکوزیا و قاهره و دهلی نو و کراچی و استانبول و... و دولتهای فرانسه و هلند و سوئیس و روسیه شوروی و برخی از همسایه های ایران و خبرگزاری های جهان و مطبوعات معروف بین المللی و رادیوهای بی بی سی و آمریکا و... و دربار و بخشهای قابل توجهی از مقامات عالی رتبه قشون و نیروهای انتظامی و نیروهای اطلاعاتی و تشکیلات فراماسونری و دانشاکیها و برخی فرقه های در لباس درویشی و صوفی گری و مذهبی و کمونیسم و پان ایرانیسم و جراید و عناصر مزدور و... با برخورداری از میلیونها دلار.

اجتماع نیروها و امکانات عظیم شماره شده در سیاهه فوق، خود به تنهایی نشانگر گستره وسیع و عظیم توطئه ها و بهترین نشانگر اصالت و عظمت و حقیقت نهفت ملی ایران به رهبری دکتر محمد مصدق و مبعطل دروغ پردازی های کذابین است. استاد منتشره گواه صادقی است بر تحلیل و تفسیر و تبیین کودتا و عوامل موجد آن توسط دکتر مصدق در جلسات «بازرسی» دادگاه بدوی نظامی و جلسات «دادرسی» دادگاه تجدید نظر نظامی و لوائح دفاعی او خطاب به دیوان کشور در طول سه سال زندان پس از کودتا.

از دیگر نکته های مهم آشکار شده در اسناد کودتا، نقش محوری و اصلی دولت بریتانیا و سازمان جاسوسی ام، آی، ۶ و وزارت امور خارجه آن کشور و همچنین نقش مخرب رادیو بی بی سی و خبرگزاری رویتر و جراید انگلیسی در کودتا است^(۱۸). سیاست مزبور سالها در پنهان ساختن این نقش

۱۸. دکتر مصدق در دفاعیات ایشاگرانه خود در دادگاه تجدید نظر نظامی به این واقعت از جمله بایان ذیل اشاره کرد: «این عملیات در صبح روز ۲۸ مرداد صورت گرفته و حرف ما خواست

کوشش داشت و در این زمینه از جمله از پشتیبانی و همکاری روسیه شوروی و جریانهای وابسته به آن نیز برخوردار بود و متفقاً بر آن کوشش داشتند تا نقش آمریکا را در کودتا به نادرست، اصلی و محوری جلوه گر سازند. به واقع، در این جریان، «سطحی نگری» ویژه آمریکایی ابزار کار و یار و یاور آنان بوده است. آمریکا به شهادت این اسناد آنچنان از حوادث و وقایع ایران و پشت پرده های کودتا بدون اطلاع بوده است و حضور آن دولت در ایران سطحی و بی ریشه بوده که پس از شکست کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ به عوامل اطلاعاتی خود در ایران دستور توقف عملیات و خروج از ایران را صادر می کند! (۱۹)

نکته دیگری که تذکر آن در این نوشته لازم به نظر می رسد این واقعیت است که اسناد موجود درباره کودتای انگلیسی-آمریکایی و ارتجاعی ۲۸ مرداد، عمدتاً اسناد و نوشته های منتشره به ترتیب توسط دست اندرکاران آمریکایی و انگلیسی و مراکز رسمی اسناد آن کشورها می باشد و شگفتا که متأسفانه تاکنون در طول سالهای پس از بهمن ۱۳۵۷، درباره آن واقعه نابودکننده و ویرانگر تاریخ معاصر ایران، حتی یک سند توسط نهادهای رسمی ج.ا.ا. منتشر نشده است!

امید آنکه نهادهای مذکوریش از این مردم کشور را در انتظار انتشار اسناد داخلی کودتا نگاه ندارند و پیش از این در روشن شدن ابعاد آن واقعه سرنوشت ساز در حیات ایران و ایرانی و منطقه و جهان از «قدرتهای استکباری» عقب نمانند! و روزنه ای را به سوی انبوه اسناد موجود در این باره - اگر هم بنا به دلایلی خود منتشر نمی سازند - حداقل برای مطالعه و استفاده، به روی علاقه مندان بگشایند!

که مغرب را با دست دیگری بگیرد. دکتر محمد مصدق در دادگاه تجدید نظر نظامی ص ۵۱۰.

پیش از پایان بخشیدن به این نوشته با نقل جمله‌ای از دفاع دکتر مصدق در دادگاه بدوی، مندرک می‌گردد تحریر این مسطور در آستانه تشکیل دومین اجلاس رهبران کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در طول چهل سال پس از تشکیل آن سازمان و آشکار شدن بیش از پیش نقش راهبردی و بی‌بدیل نفت در جهان و عظمت دکتر مصدق که به حق انگشت بر این مسأله اساسی دیروز و امروز و فردای ایران و منطقه و جهان نهاده بود، انجام می‌گیرد.

امید آنکه از خواب غفلت برخیزیم و بیش از این خود را در تارهای نابودکننده مسایل انحرافی و فرعی گرفتار نسازیم و حداقل بخشی از اوقات خود و مردم را متوجه موضوعات اصلی تهدیدکننده کشور و ملت نمایم.

پایان بخش این نوشته را همانگونه که در فوق اشاره شد، با جمله‌ای از دفاع دکتر مصدق در دادگاه بدوی نظامی ختم می‌نماید که دلایل وقوع کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت ملی، از سوی رهبری نهضت ملی ایران چنین شرح داده شده است:

«آری تنها گناه من و گناه بزرگ و بسیار بزرگ من این است که صنعت نفت ایران را ملی کرده‌ام و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم‌ترین امپراطوری‌های جهان را از این مملکت برچیده‌ام و پنجه در پنجه مخوف‌ترین سازمان‌های استعماری و جاسوسی بین‌المللی درآکنده‌ام، به قیمت از بین رفتن خود و خانواده‌ام و به قیمت جان و عرض و مالم» (۲۰).

خدای را شکر که به مدد ارواح طیبه اولیای اسلام و پشتیبانی و

۲۰. یکی دیگر از آگاهان به این واقعیت، زهروی از مکتب دکتر مصدق، مهتدیس سید احمد رضوی بود که در دادگاه نظامی «مسأله نفت» و خطرهای ناشی از پرداختن به آن از موضع استقلال را طرح و آشکارا اظهار داشت: «ما سرسپردگان به آزادی غافل نبودیم که در دنیا بازی نفت سرها را به باد داده و می‌دهد و با وقوف به این خطرات به پیشوایر دکتر مصدق و اعتقاد در این راه قدم نهادیم» مصدق در محکمه نظامی، به کوشش جناب بزرگمهر، نشر تاریخ ایران، کتاب اول - ج ۱، ص ۳۴۰، چهارده.

فداکاری قاطبه ملت ایران به انجام این مقصود بزرگ خود توفیق یافتیم و برای همیشه گریبان خود را از چنگال این دشمن مهیب و محیل خلاص کردیم.

من طی این همه فشار و ناملایمات، این همه تهدید و تضيقات از علت اساسی و اصلی گرفتاری خود غافل نیستم و به خوبی می‌دانم که سرنوشت من باید مایه عبرت مردانی شود که ممکن است در آتیه در سواحل خاورمیانه در صدد گسیختن زنجیر بندگی و بردگی استعمار برآیند.

روز نهم اسفند سال قبل طنابی را که برای انداختن به گردن من آورده بودند همه دیدند. آن روز هم اگر موفق می‌شدند می‌گفتند مردان مسلمان و وطن پرست شاهدوست سزای یک مرد خانی را کف دستش گذاشتند.

من می‌خواهم از افتخاری که نصیب آن مرد شده یعنی توانسته است متهم لجوج و عنود ردیف یک را که برای اولین بار از روی لجاج و خیره سری به جنگ با استعمار برخاسته روی کرسی جرم و جنایت نشانیده استفاده کنم و شاید برای آخرین بار در زندگی خود ملت رشید ایران را از حقایق این نبرد وحشت‌انگیز مطلع سازم و مزده بدهم:

مصطفی را وعده داد الطاف حق

گر بگیری تو نیرد این سبق (۲۱)۸

مهرماه ۱۳۷۹

محمد ترکمان





